

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ آبان ۱۳۹۵
مصادف با: ۸ صفر ۱۴۳۸
جلسه: ۱۰

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: رحمن و رحیم، صفت ذات یا فعل؟

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

رحمن و رحیم، صفت ذات یا فعل؟

در مورد رحمن و رحیم و وجوه فرق بین این دو مطالبی عرض شد، اجمالاً رحمن و رحیم، هر دو در واقع از صفات خداوند هستند، منتهی سوالی که مطرح است این است که:

آیا اینها از صفات ذات هستند یا صفات فعل؟ چون صفات خداوند برخی ذاتی و برخی فعلی هستند، در مورد معیار صفات ذات و صفات فعال نظرات مختلفی ابراز شده است، مرحوم کلینی در کافی یک معیاری ارائه داده و ظاهراً همین معیار هم بعداً شهرت پیدا کرده است.

صفت ذات: اجمالاً صفات ذاتی، صفاتی هستند که عین ذات بوده و نامحدود هستند و در مقابل آنها هیچ صفت کمالی دیگری قرار ندارد، مثل علم، حیات، قدرت، که از صفات ذات هستند و خداوند هیچگاه نمی تواند متصف به صفت مقابل علم که جهل است یا صفت مقابل حیات که مرگ است یا صفت مقابل قدرت که ناتوانی است بشود. خداوند هیچگاه به آنها متصف نمی شود و اتصاف خداوند به آنها اساساً ممتنع است.

صفت فعل: صفات فعلی صفاتی هستند که از مقام فعل خداوند انتزاع می شود و در برخی موارد مقابل دارند و خداوند به وصف مقابل آنها هم متصف می شود، مثلاً احیاء در مقابل اِماتة است، اِحیاء فعل خداوند است ولی خداوند به صفت اِماتة هم متصف می شود. صفت مقابل اِحیاء که اِماتة است، خداوند به آن هم متصف می شود یا مثلاً رضاء که در مقابل آن سخط است، خداوند هم به صفت رضاء اتصاف پیدا می کند و هم به صفت مقابل آن که سخط است، یا بسط در مقابل قبض، بسط که از مقام فعل خدا انتزاع می شود و در مقابل آن قبض از است که از صفات فعل خداوند است.

اما اینکه خداوند مثلاً به صفات مقابل صفات فعل هم اتصاف پیدا می کند هیچگاه به معنای نقص نیست، چون خدا فقط به اوصاف کمالی متصف می شود، یعنی هم احیاء یک وصف کمالی است هم اِماتة، هم رضا وصف کمالی است هم سخط.

با توجه به این نکات حال می خواهیم ببینیم که رحمت از کدام یک از این صفات است، رحمن و رحیم که در واقع هر دو از اسماء و صفات خدا هستند، رحمت رحمانیه و رحمت رحیمی، آیا از صفات ذات هستند یا صفات فعل؟

باید در مورد این دو وصف ببینیم این معیاری که گفته شد بر اینها به چه نحوی قابل انطباق است، صفت ذات یعنی صفتی که در ذات خداوند وجود دارد، صفت فعل یعنی صفتی که از مقام فعل خارجی خداوند انتزاع می شود و خارج از

ذات خدا است، در صفات ذات صفت مقابل معنا ندارد، چون در ذات خدا تغییر و تحول معنا ندارد، اما صفتی که ناشی از مقام فعل خارجی خداوند است می‌تواند به وصف مقابل خود هم متصف شود، چون اگر فعل الهی تحول و تغییر پیدا کند، مستلزم هیچگونه نقص و محدودیت و اشکال نیست، اما تغییر در ذات نقص است، تغییر در فعل نقص نیست، لذا رحمانیت و رحیمیت را با این ویژگی‌هایی که در مورد صفات ذات و فعل گفتیم اگر مقایسه کنیم باید از صفات ذات بدانیم یا صفات فعل؟ آیا در این رابطه هر دو حکم واحدی دارند؟ یعنی رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه از این جهت یکسان هستند یا باید بین اینها تفکیک کرد؟ هر دو از صفات ذات هستند یا یکی از صفات ذات و دیگری از صفات فعل است؟

۱. رحمت رحمانیه

برای اینکه پاسخ این سوال معلوم شود، قهراً تعریفی که ما از رحمن و رحیم داریم مدخلیت دارد. بر اساس معنایی که ما برای رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه گفتیم، اولی عبارت است از افاضه وجود به عالم هستی، که شامل همه موجودات این عالم یعنی همه ممکنات می‌شود، وجود از طرف خداوند به عنوان رحمتی است که همه اشیاء را در بر می‌گیرد، این هم در دنیا است و هم در آخرت، هم انسان و هم غیر انسان، هم مؤمن و هم کافر را در بر می‌گیرد. این رحمت نقطه مقابل ندارد، تغییر پیدا نمی‌کند، مصون از هر نوع تحول و دگرگونی است و خداوند به نقطه و وصف مقابل این متصف نمی‌شود از باب اینکه وصف مقابلی در برابر این نیست، بر این اساس می‌توانیم بگوییم رحمت رحمانیه صفت ذات است، چون معیاری که برای رحمت رحمانیه گفتیم بر این وصف منطبق است، صفتی که در مقابل آن هیچ وصف کمالی وجود ندارد، از خود ذات انتزاع شده و هیچ تغییری در آن راه ندارد، در مقابل رحمت به این معنا چه وصفی وجود دارد که ممکن باشد خدا به آن متصف شود. چون همه این عالم رحمت خدا است، طبق این معنا وصف کمالی که در مقابل آن قرار داشته باشد و بتوانیم آن را برای خداوند بکار ببریم وجود ندارد، و اساساً در خداوند از این جهت هیچ تغییری نیست. نمی‌شود خدا افاضه وجود و هستی نکند چون این عالم «نیست» می‌شود، در هیچ جا هم این در مورد خداوند بکار نرفته است.

۲. رحمت رحیمیه

اما رحمت رحیمیه، آیا از صفات ذات است یا از صفات فعل؟ اگر بگوییم از صفات ذات است، آن ویژگی‌هایی که برای خداوند در نقطه مقابل آن است را نفی می‌کنیم.

به نظر می‌رسد که رحمت رحیمیه از صفات فعل است به این معنا که خداوند متعال به وصف کمالی مقابل هم متصف می‌شود یعنی مثلاً مقابل رحیم غضب است، مثل رضا که مقابل آن سخط است. اگر ما خداوند را متصف به وصف غضب می‌دانیم، این غضب به عنوان یک وصف کمالی در مقابل رحیم است، خداوند هم عذاب می‌کند و هم غضب می‌کند، در قرآن هم داریم که می‌فرماید: «یعذب من یشاء و یرحم من یشاء»^۱ خداوند هر که را که بخواهد عذاب می‌کند و هر که را

۱. سوره‌ی عنکبوت: آیه‌ی ۲۱.

بخواهد مورد رحمت خودش قرار می‌دهد، این همان معنای رحیم و رحمت خاص است. حال یا عذاب و رحم در آخرت است، یا اگر دنیا هم باشد باز رحمت به آن معنای عام که گفتیم نیست، بالاخره رحمت رحیمیه تفاوت دارد با رحمت رحمانیه، علاوه بر آن تفاوت‌هایی که گفتیم، یک تفاوتش همین است که رحمت رحمانیه از صفات ذات است و رحمت رحیمیه از صفات فعل است.

سوال: رحیم با توجه به آن چه در فرق چهارم یا پنجم بین رحمن و رحیم گفتیم چگونه با این نکته قابل جمع است، که صفت فعل باشد و نقطه مقابل داشته باشد؟

استاد: طبق وجه مختار در فرق بین رحمن و رحیم، رحیم در واقع به این اعتبار به خداوند اطلاق می‌شود که نظام تشریح را تنظیم کرده و در وجود و نهان انسانها نور فطرت و عقل قرار داده برای هدایت انسان به سوی سعادت و در آخرت هم بر موافقت و مخالفت این نظام اثر مترتب کرده است.

حال اگر ما رحیم را به این معنا بگیریم چطور می‌تواند از صفات فعل باشد و چگونه خداوند می‌تواند متصف به نقطه مقابلش شود، اگر خداوند دین و پیامبران را آورده و در نهان انسانها فطرت قرار داده و ما گفتیم این برای همه انسانها است، چه مؤمن و چه کافر، در دنیا و البته در آخرت اثرش برای مؤمنین ظاهر می‌شود که به سعادت جاودانه می‌رسند، با این احتمال و معنایی که ما اختیار کردیم سوال این است که چگونه غضب خداوند توجیه می‌شود؟ غضب خدا طبق احتمالی که ما اختیار کردیم یعنی چه؟ یعنی دین نفرستد، یعنی انزال کتب و ارسال رسل نکند؟

این هیچ منافاتی با آن معنایی که ما گفتیم ندارد، طبق این احتمال باز آن چه در مورد رحیم گفتیم که صفت فعل خدا است قابل انطباق است (با اینکه برای همه آمده است و خاص مؤمنین نیست)، اصل دین، اصل پیامبران، اصل کتب آسمانی همه رحمت هستند، ولی در کنار این داریم که خداوند متعال میفرماید: «یهدی من یشاء و یضل من یشاء» خداوند کسی را که بخواهد هدایت می‌کند و کسی را هم که بخواهد گمراه می‌کند، اما آنهایی که مسیر دیگری می‌روند و یا در زندگی راه دیگری را انتخاب می‌کنند یا زمینه‌های آن را در خودشان از بین می‌برند قطعاً مورد هدایت واقع نمی‌شوند.

به عبارت دیگر رحمت رحیمیه در این دنیا این است که انسان توفیق فراگیری معارف الهی داشته باشد، عمل صالح بتواند انجام دهد، یاری دین خدا بتواند بکند، و در آخرت هم به رضوان الهی و بهشت وارد شود، پس اگر می‌گوییم رحمت رحیمیه مربوط به نظام تشریح است و به وادی هدایت مربوط است، امکان هدایت برای همه فراهم شده است و از این جهت فراگیر است و اختصاص به مؤمنین ندارد، ولی از این جهت که کسانی در این وادی قدم بر می‌دارند و در مسیر هدایت و سعادت وارد می‌شوند که خداوند بخواهد و این تابع یک سری استعدادها و مقتضیات و شرایط در خود انسان‌ها است و کسی را که خداوند نخواهد قطعاً به سعادت نمی‌رسد.

لذا بین این دو مطلب هیچ تنافی نیست که ما از یک طرف ادعا کنیم رحمت رحیمیه به معنای تنظیم نظام تشریح مطابق با فطرت و عقل بشر است و در عین حال این را یک رحمت خاص بدانیم که همه نمی‌توانند از آن استفاده کنند، اصل آن یک رحمت برای هدایت انسان است، ولی این کافی نیست برای اینکه انسان به هدف برسد، بر این اساس غضب یک معنای عام و وسیع پیدا می‌کند، کسی که توفیق فراگیری حقائق دین را ندارد، مغضوب است، کسی که توفیق یاری دین خدا را ندارد، کسی که توفیق عمل صالح ندارد معلوم می‌شود که مورد غضب واقع شده است، همه اینها برای دنیا است و برای آخرت نیست، بله، قهراً کسی که توفیق و مجوز ورود به بهشت و رضوان خدا را ندارد این مورد غضب است، در نماز می‌خوانیم «اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم»، راه راست را به من نشان بده نه راه کسانی که مورد غضب واقع شده‌اند، «مغضوب علیهم» کسانی هستند که نور فطرت و نظام تشریح نتوانسته به آنها کمک کند، با اینکه در اختیار آنها بوده ولی بخاطر بعضی از امور از آنها سلب شده، لذا منافاتی بین این دو به نظر نمی‌رسد.

نتیجه

اجمالاً این مطلب معلوم شد که ما می‌توانیم رحمت رحمانیه را از صفات ذات بدانیم چون در مقابل آن هیچ وصف کمالی دیگری نیست و اساساً خدا نمی‌تواند به وصف مقابل رحمت رحمانیه متصف شود، رحمت رحیمیه را می‌توانیم از صفات فعل بدانیم و بگوییم از فعل خارجی خداوند انتزاع شده است و در مقابل آن هم یک وصف کمالی دیگری وجود دارد که خدا به آن اتصاف پیدا کند.

تا اینجا تقریباً مفردات و اجزاء آیه بسم الله بیان شد، «اسم»، «الله»، «الرحمن»، «الرحیم»، حال یک معنای کلی برای این آیه با توجه به این جهاتی که گفتیم باید ذکر کنیم که «بسم الله الرحمن الرحیم» بر طبق آنچه که بیان کردیم و با توجه به اینکه هم اول قرآن میباشد و هم اول سوره‌ی حمد به چه معنا است؟

«والحمد لله رب العالمین»